



ریزی در خود سیاست‌ها باشد؛ اما در وهله اول خود اصلاح قانون مهم است، سیاست‌ها شبیه به قانون اساسی است، حالا اگر نباشد مقداری پایین‌تر از قانون اساسی است و باید مثل همان سخت‌گیری‌هایی را که در اصلاح قانون اساسی داریم، در این‌ها هم داشته باشیم. اولویت اول اجرا، بعد اصلاح قانون و در نهایت سیاست‌ها است.

**پژوهشکده تحقیقات راهبردی: به نظر می‌رسد، مجموعه دستگاه‌های اجرایی واقعاً به هل دادن نیاز دارند، اینکه منتظر بمانیم خدا عنایتی کند، بعد اراده‌ای در دستگاه‌های اجرایی برای عمل به قانون به وجود بیاید شاید تا الی‌الابد به وجود نیاید؟**

قانون می‌تواند به این هدف برسد، اگر ضمانت اجرای قوی در خود قانون داشته باشیم. بله گاهی وقت‌ها مجری‌ها دست روی دست می‌گذارند اصلاً کاری نمی‌کنند که بیشتر در نظارت سیاسی نمود پیدا می‌کند؛ اما باید بتوانیم دنبال نظارت‌های غیرسیاسی برای عدم اجرای عالی همین سیاست‌ها برویم که بخشی از آن ناشی از عدم اجرای قانون، یا اجرای نادرست قانون است.

**۱۴-۱۵ سال از ابلاغ سیاست‌های کلی گذشته و تغییرات بسیار زیادی، چه تغییرات خارجی، چه تغییرات داخلی در اقتصاد ایران به وجود آمده، آیا این فرق‌ها و تفاوت‌ها منجر به این نشده که ضرورت بازنگری در سیاست‌ها به‌عنوان یک گزینه مطرح شود؟**

سیاست‌ها را سخت است بگوییم، اما به نظر می‌آید قانون بر اساس تجربیاتی که حاصل شده است باید اصلاح شود؛ چون اصل سیاست‌ها درست بوده که بالاخره تحولی در اقتصادمان صورت بگیرد، بخش خصوصی تقویت شود؛ ایده درست است، باید به فکر این باشیم که چرا نتوانسته‌ایم آن را خوب اجرا کنیم؟

**پژوهشکده تحقیقات راهبردی: اصلاً یکی از ایرادات مربوط به همان بخش عمومی غیردولتی می‌شود. بند الف یکی از مواردی بود که اشکال ایجاد کرده بود.**

این‌ها در قانون است؛ البته سیاست‌ها هم اشکالاتی دارد. بعضی‌ها معتقدند مثلاً شهرداری‌ها را تقویت کنیم، اما خود آن‌ها هم اعتقاد دارند همان مدیریت دولتی است، اما با نظارت کمتر. اصلش درست است، حالا ممکن است در نکاتی هم این قسمت‌ها اصلاحات

سازمان تنظیم مقررات و کمیسیون مربوطه‌اش یک قانون خاص دارد. راه دیگر این است که باز اصلاح کنیم، طوری که دست هیئت وزیران را ببندیم، اما در عمل هر کاری می‌کنیم، نمی‌شود.

**پژوهشکده تحقیقات راهبردی: با قانون اساسی مغایرت ندارد؟**

ممکن است مغایرت داشته باشد، در عمل آنچه می‌خواهیم نمی‌شود، این واقعاً یک معضل است. در دستور کار شورا هم هست که چه کار کند، مجلسی‌ها هم آماده هستند کمک کنند که این نقص حقوق رقابت برطرف شود و نهادهای تنظیم‌گر بخشی به خوبی اجرا شوند، با آن استقلال و آن ویژگی‌های خاص و مطلوبی که باید داشته باشند. در حقیقت من و سایر اعضا هم نتوانستیم به یک جمع‌بندی دقیق برسیم. تنها راهش این است که هیئت وزیران کوتاه بیاید، یعنی آنچه باید باشد را بپذیرد. بپذیرد که این نهادها باید مستقل باشند، بالاخره به نفع کشور است که استقلال داشته باشند، هم بخش خصوصی تقویت می‌شود و هم خود بخش دولتی مقداری کارش نظم می‌یابد.

**پژوهشکده تحقیقات راهبردی: تقریباً**